

بررسی لایحه وزارت پست و تلگراف و تلفن

بهمن برزگر

barzegar@ccwmagazine.com

۱- در صورت تصویب این لایحه، وزارتخانه در دو حوزه بسیار وسیع، یعنی مخابرات و فناوری اطلاعات (اطلاع‌رسانی، اینترنت و...)، تنها نهاد حاکمیتی خواهد بود که مسئول سیاستگذاری در دو بخش توأمان می‌شود، بنابراین وزارتخانه‌ای که قرار است دارای چنین قدرتی - هم در حوزه مخابرات و پست (ارتباطات) و هم در حوزه کامپیوتر و اطلاع‌رسانی و اینترنت (فناوری اطلاعات) باشد، بهتر است قانونی محکم و قوی داشته باشد، نه قانونی فقط بایک ماده (سه ماده ۲ و ۳ و ۴ در صورت تصویب مجلس تقریباً غیر قابل استفاده خواهد بود).

۲- هر قانونی قاعدتاً باید شامل فصول گوناگون مانند تعاریف و مفاهیم، کلیات، وظایف کلی، نحوه ارتباط نهادهای اصلی باشد، اما در لایحه پیشنهادی خبری از آن نیست.

۳- در ماده ۱ لایحه، وظایف وزارتخانه فعلی با یک عبارت جدید (فناوری اطلاعات) حداقل ۲ برابر وظایف کنونی شده است (حتی بیش از ۲ برابر)؛ اما هیچ تعریف مشخص از واژه‌های کلیدی مانند ارتباطات و فناوری اطلاعات ارائه نشده است.

لایحه وظایف و اختیارات و تغییر نام وزارت پست و تلگراف و تلفن در دستور کار مجلس محترم قرار دارد. از آنجا که این قانون نقشی مؤثر در ساختار بخش پست و مخابرات کشور دارد، در این مقاله مختصر سعی می‌شود برخی از زوایای آن مورد بررسی قرار گیرد. مطمئناً از دیدگاه‌های دیگری نیز می‌توان به آن نگاه کرد که این را بر عهده خوانندگان محترم، صاحب‌نظران، و مسئولان محترم وزارت پست و تلگراف و تلفن می‌گذاریم. در این لایحه مواردی وجود دارد که یا در حیطه وظایف وزارتخانه جدید نمی‌تواند قرار گیرد (به دلیل این که این وظایف، بر عهده نهادهای دیگری است که هنوز از نظر قانونی لغو نشده‌اند مانند وظایفی که بر عهده نهادهایی مثل شورای عالی انفورماتیک و شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور است) و یا امر تصدی است که باید بر عهده بخش خصوصی و یا شرکت‌های وابسته به وزارتخانه قرار گیرد، و عباراتی نیز به کار گرفته شده‌اند که تعاریف آنها مشخص نشده است. این موارد را می‌توان به طور خلاصه تحت این عناوین بیان کرد:

ارتباطات می تواند حوزه ای بسیار وسیع تر از حمل و نقل، ارتباطات انسانی را در بر بگیرد تا ارتباطات مخابراتی را فناوری اطلاعات نیز که به نظر می رسد ترجمه عبارت Information Technology باشد در این ماده به کرات مورد استفاده قرار گرفته است اما معنای مشخصی از آن مستفاد نمی شود، شبکه مادر مخابراتی و غیر مادر نیز از این موارد است.

۴- مطابق ماده ۲ قانون برنامه سوم تفکیک وظایف حاکمیتی از تصدی گری یکی از اهداف مهم دولت است اما بندهای زیادی از ماده ۱ این لایحه هنوز در دنیای گذشته سیر می کند مانند بندهای ۴ (ایجاد، نگهداری و توسعه شبکه های مادر مخابراتی کشور) و ۷ (ایجاد و توسعه شبکه پستی کشور)

۵- از الفاظ و افعالی استفاده شده است که هیچ قابل تحلیل و درک نیستند و معلوم نیست که دقیقاً وزارتخانه باید چه کاری انجام دهد مانند زمینه سازی برای مشارکت بخش غیردولتی... (بند ۶) فراهم نمودن زمینه مشارکت بخش غیردولتی... (بند ۸) زمینه سازی برای دستیابی و استفاده از فناوری های جدید... (بند ۱۲) و فراهم نمودن زمینه مشارکت بخش غیردولتی در توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات (بند ۱۴)

همه این حرف های تکراری، یک چیز را می گویند که وزارتخانه جدید متولی ورود بخش خصوصی برای فعالیت خواهد بود و لیکن از «مرجع تنظیم مقررات مخابراتی Regulatory Authority» که تضمین کننده ورود و استمرار حضور بخش غیردولتی است و از مهم ترین وظایف حاکمیت است هیچ سخنی به میان نیامده است.

۶- طراحی و تدوین نظام ملی اطلاعات کشور چه رابطه ای می تواند با وزارت پست و تلگراف و تلفن (ارتباطات و فناوری اطلاعات) داشته باشد. وظایف نهادهای «تأمین کننده اطلاعات»، «تأمین کننده خدمات» و «تأمین کننده ارتباطات» با هم متفاوت است و به نظر می رسد که وزارتخانه، تأمین کننده ارتباطات است و نه طراح و تدوین کننده نظام ملی اطلاعات کشور؛ حال سؤال این است که وظایف سازمان مدیریت و

برنامه ریزی کشور (و مشخصاً مرکز آمار ایران) چه خواهد بود؟

۷- تعریف واحدهای ارائه خدمات پستی و مخابراتی در سطح کشور چیست؟

آیا باجه های مخابراتی فعلی که مجوز آن را شرکت مخابرات استان ها صادر می کند، یک واحد ارائه خدمات مخابراتی است، و یا شرکتی که در آینده Service Provider خواهد بود. به نظر می رسد عدم ارائه تعریف واحدهای ارائه خدمات پستی و مخابراتی باعث می شود تا میان واحدهای خصوصی که طبق قانون برنامه سوم توسعه (ماده ۱۲۴) شبکه مخابراتی مستقل و موازی ایجاد می کنند با شرکت هایی که تحت مجوز شرکت مخابرات ایران یا استان ها مجاز به فعالیت هستند (مانند واحدهای ارائه خدمات مشترکین موبایل) بتوان تمایز قایل شد و ابهام هم وجود دارد که دولت صدور مجوز فعالیت را از چه سطحی شروع خواهد کرد.

۸- بند ۱۵، تدوین ضوابط حل اختلاف و تعیین اسناد مورد قبول محاکم قضایی در اختلافات مربوط به فناوری اطلاعات و ارائه به دولت برای تصویب را از وظایف وزارتخانه جدید می داند. از این لایحه از مرجع تنظیم مقررات و یا Regulatory body خبری نیست. آیا نهادی مهم تر از این می تواند در دستگاه اجرایی باشد که وظایف حاکمیتی را بر عهده بگیرد؟! در حقیقت نهاد تنظیم مقررات است که در آینده باید وظایف تدوین استاندارد و تعیین ضوابط اسناد مورد قبول برای محاکم قضایی را هم در حوزه مخابرات و هم فناوری اطلاعات بر عهده بگیرد.

۹- قوانین برنامه های ۵ ساله، قوانین موقتی هستند که طول عمر معلومی دارند، آیا اسناد به یک ماده از قانون برنامه سوم در یک قانون دائمی امری درست و قابل قبول است؟!

۱۰- در ماده ۱۲ این لایحه وظیفه مهم تبیین جایگاه و مشخص کردن وظایف و ارتباطات مجموعه های کلیدی وزارتخانه در درون مجموعه با کلیه نهادهای دست اندرکار بیرون از آن بر عهده دولت گذاشته شده است، در حالی که به نظر می رسد مجلس جایگاهی مناسب تر برای تصویب آن باشد.

۱۱- یکی از موارد جالب دیگر در این لایحه که قرار است دائمی باشد، اشاره به تغییر ردیف و جابه جایی اعتبارات بودجه ای در سال ۸۰ از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور است. واقعیت امر این است که هیچ نیازی به بیان این در قانون نیست چون یک کار عادی در سازمان مدیریت و برنامه ریزی تعیین، تغییر، کاهش و افزایش اعتبارات و ردیف های بودجه ای است که فقط هماهنگی های درون دستگاهی برای آن کفایت می کند، و نیازی به یک ماده قانونی برای آن نیست.

۱۲- در این قانون هیچ صحبتی از واحدهای دیگر وزارتخانه مانند مرکز تحقیقات مخابرات ایران، مرکز سنجش از دور ایران، شرکت های تولید کابل شهید قندی و ... نشده است و معلوم نشده که در این قانون جدید ساختار و وظایف آنها به چه نحوی تغییر خواهد کرد و یا این که بدون تغییر می ماند.

۱۳- ماده ۴ قانون به طور کلی همه قوانین مغایر را لغو کرده است. سؤال این است که کدام قانون مغایر این قانون جدید است و کدام قسمت آن؟ تشخیص این مغایرت با چه کسی است؟ در حوزه پست و تلگراف و تلفن قوانین متعددی وجود دارد مانند قانون بی سیم های اختصاصی و غیر حرفه ای، قانون تأسیس شرکت های مخابرات ایران و شرکت های مخابرات استانی، قانون مرکز سنجش از دور ایران و قانون تأسیس شرکت پست و... همه این قوانین در فضایی تدوین شده اند که نه خصوصی سازی مطرح بود و نه نوع نگرش و دیدگاهی نسبت به واژه فناوری اطلاعات در ذهن قانونگذاران وجود داشت. اکنون باید همه قوانین مربوطه به نحوی مورد تجدید نظر قرار گیرند، این از نکات بسیار مهم است که لازم است در این قانون جدید به آن پرداخته شود در هر صورت، قانون تأسیس وزارتخانه مهم ترین قانون خواهد بود و سایر قوانین، اجزای این کل خواهند بود.

با عنایت به موارد فوق، وظیفه مجلس شورای اسلامی در بررسی لایحه، بسیار سنگین و بزرگ می باشد و امیدواریم نمایندگان محترم با استفاده از نظرات همه آنهاهی در این حوزه حرفی برای گفتن دارند این مهم را به انجام برسانند. ❏